حاشیه هفته

دعواهای ۲ رهبر ارکستر

مهدی وجدانی، رهبر ارکستر جوانی است که اجرای چند سال گذشته‌اش با ارکستر ملی هنوز هم حاشیه‌های بسیار دارد. هرچند پیش از اجرا بسیاری گفتند او نمی‌تواند از عهده کار برآید و در پایان بسیاری اعتراف کردند که این رهبر جوان توانسته سکاندار خوبی برای صحنه باشد، اما نه حاشیه‌ها تمام شد و نه دیگر به او اجازه کار با ارکسترهای سمفونیك و ملی داده شد. هفته گذشته فریدون شهبازیان در بررسی عملکرد سه ساله خود به‌عنوان رهبر ارکستر درباره مخالفتش با حضور وجدانی نکاتی را بیان کرد که رسانه‌ها به آن پرداختند. وجدانی هم حالا در گفت‌وگو با تسنیم این نکات را تا حدی پاسخ گفته است.

او اظهار کرد: آقای شهبازیان آهنگساز و تنظیم‌کننده آثار ماندگاری هستند که بسیاری از این آثار نوستالژی چند دهه از مردم کشور ما بوده‌اند؛ آثاری مانند «گل گُلدون» از آثار ماندگار شهبازیان است که بیشتر مردم آن را شنیده‌اند. اما رهبری ارکستر با مقوله آهنگسازی متفاوت است. رهبری ارکستر علم و فنی است که اگر کسی آهنگساز خوبی بوده، دلیل بر این نیست که رهبر ارکستر خوبی هم باشد.

وجدانی ادامه داد: آقای شهبازیان در صحبت‌هایش تاکید کرده که رهبری قطعه «نی‌نوا» کار بسیار دشواری است. در جلسه‌ای که من و نماینده بنیاد رودکی و آقای شهبازیان و دستیار ایشان داشتیم، آقای شهبازیان تاکید داشت که قطعه نی‌نوا بسیار سنگین است. شهبازیان به عنوان رهبر دائم ارکستر اعلام کرد که ارکستر برای اجرای این قطعه نیاز به سه ماه تمرین دارد. من در جواب گفتم، ارکستر با رهبر ارکستر حرفه‌ای، این قطعه را با هشت جلسه تمرین می‌تواند اجرا کند. صورتجلسه تمرین‌های من با ارکستر ملی ایران پنج یا شش جلسه است. یعنی مدل تمرین‌گیری و صداگیری من از ارکستر در این تعداد جلسه به جمع‌بندی رسید تا بتوانیم قطعه نی‌نوا را روی صحنه ببریم.

این رهبر ارکستر در ادامه گفت: شهبازیان گفته است که در هیچ‌کدام از تمرین‌های من با ارکستر ملی حاضر نشده است. فکر کنم در تمرین دوم یا سوم من با ارکستر ملی بود که آقای شهبازیان سر تمرین آمد و دقایقی از تمرین را دید. بعد از آن من را به دفترش دعوت کرد و به من پیشنهاد داد در کنار اجرای نی‌نوا چند قطعه دیگر هم اجرا کنیم. پارتیتور قطعه‌هایی را که پیشنهاد دادند دیدم و گفتم که این قطعه‌ها در شأن ارکستر ملی نیست و من این قطعه‌ها را اجرا نمی‌کنم.

او در ادامه خطاب به شهبازیان اظهار کرد: شما حتی به خودتان این زحمت را ندادید که بیایید و اجرای ارکستر را از نزدیك ببینید. کجای دنیا، مدیر هنری و رهبر دائم چنین رفتاری را با رهبر مهمان می‌کند؟

وجدانی در پایان گفت: ایشان شخصیت بالایی دارند، اما من عدم همکاری‌اش با خودم را این‌طور معنی می‌کنم که ایشان شاید جایگاه رهبری ارکسترشان را در مقابل جوانان این فن در خطر می‌دیدند. من خواهش می‌کنم از همه مدیران که لطفا از جوان‌ها حمایت کنید.

به تازگی ویدئویی از حضور حسین علیزاده در مترو منتشر شده است. این صحنه‌ای از آن ویدئوست

پیرو انتشار ویدئویی از حضور حسین علیزاده در مترو رابطه بی‌واسطه هنرمندان و مردم را بررسی کرده‌ایم

از ماشینت پیاده شو رفیق

صابر محمدی

ادبیات و هنر

تاریخ اجتماعی ایران پر است از اندیشمندان و هنرمندانی که هم قطارانشان را توصیه کرده‌اند به ارتباط با مردم. لابه‌لای سخنرانی‌ها و کتاب‌هایشان بارها خوانده‌ایم که هنرمند نباید ارتباطش با مردم قطع شود و اگر این فاصله اتفاق بیفتد باید فاتحه‌ای نثار هنر کرد. این‌که چقدر این توصیه‌ها را ریاورزانه تشخیص داده‌ایم یا توانسته‌ایم برایش مصداق‌هایی از کنش خود این اندیشمندان و هنرمندان بیابیم و از این رو توصیه‌شان را بپذیریم، بحثی نیست که امروز در این گزارش به دنبال آن باشیم. دیروز ویدئویی از حضور حسین علیزاده، نوازنده و آهنگساز موسیقی ایران منتشر شد که او را در متروی تهران نشان می‌داد. علیزاده در این ویدئوی کوتاه دوازده ثانیه‌ای می‌گفت که در مترو خوش می‌گذرد و کاش همه از وسایل حمل و نقل عمومی به جای خودروی شخصی استفاده کنیم تا دوباره آلودگی هوا مثل سال‌های گذشته آوار نشود بر سر پایتخت. چنین توصیه‌های اجتماعی را بارها از دیگر هنرمندان و نیز از مسؤولان و سیاستمداران دیده‌ایم. شهردار تهران را نیز در ماه‌های اخیر بارها طی عکس‌هایی دیده‌ایم که او و معاونانش را در حال تردد در شهر با دوچرخه نشان می‌دهد. چرا این رفتارها را از مسؤولان نمی‌پذیریم و از هنرمندی چون حسین علیزاده به دلمان می‌نشیند؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش می‌تواند تحلیلی درازدامن را باعث شود، اما عجالتا شاید بتوان آن را در قالب این گزاره خلاصه کرد: «توصیه‌ای شهروندی، وقتی از جانب یك شهروند پذیرفته می‌شود که او خود پیش از توصیه، در حذف فاصله و در کاهش شکاف بین خود و مردم کوشیده باشد». از همین روست که حتی از برخی هنرمندان هم چنین توصیه‌هایی را نمی‌توانیم بپذیریم؛ در صفحات شخصی بسیاری از بازیگران و خواننده‌ها اگر بچرخید حتما یك عکس با دوچرخه هم پیدا می‌کنید، اما در این گزارش ما با این ژست‌های معمول اینستاگرامی کاری نداریم. این را که فلان بازیگر در فلان پویش اجتماعی شرکت می‌کند و در یك سه‌شنبه بدون خودرو در سطح شهر تردد می‌کند به فال نیك می‌گیریم، اما مساله‌مان در این گزارش فراتر از نمایش‌های اینچنینی مرسوم است. درباره کسانی حرف می‌زنیم که بارها در خیابان آنها را دیده‌ایم یا حرف‌هایشان درباره خیابان و مردم را توانسته‌ایم باور کنیم.

ادامه در صفحه ۱۰

نظرسنجی تازه ایسپا نشان می‌دهد اولویت‌های مردم تغییر کرده و دیگر حواشی زندگی چهره‌ها برایشان در اولویت نیست

هر کسی کار خودش؟!

زینب مرتضایی فرد

ادبیات و هنر

فعالیت در فضای مجازی امروزه بخشی از زمان روزانه بسیاری از افراد را به خود اختصاص داده است. خیلی‌ها از اول روزشان سر در فضای مجازی دارند و خیلی‌های دیگر هم تا نیمه‌های شب در همین عالم غیرواقعی که خیلی از ساحت‌های واقعی زندگی‌مان را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد به سر می‌برند. خلاصه که از بیداری تا خواب همه‌مان خواه‌ناخواه با فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط است و اغلب‌مان در روز ساعت یا ساعاتی را در اینستاگرام، تلگرام، توییتر و... می‌گذرانیم. خلاصه بخشی از اطلاعات، سرگرمی و حتی خریدهای شخصی‌مان هم این روزها از همین طریق انجام می‌شود. این فضا اما طی سال‌های گذشته که مدام همه‌گیری و مخاطب بیشتری را تجربه کرده، تغییرات جالبی هم در کاربران خود ایجاد کرده است. بخشی از این تغییرات را می‌توان در نظرسنجی تازه مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مشاهده کرد.

تغییر اولویت‌های مردم

براساس این نظرسنجی که به‌صورت تلفنی انجام شده و جامعه آماری‌اش شهروندان کل کشور اعم از شهری و روستایی بوده‌اند، ۸۲/۳ درصد مردم موافق انتشار اخبار و تصاویر زندگی شخصی هنرمندان و افراد مشهور در شبکه‌های اجتماعی مجازی و رسانه‌های عمومی نبوده و ۱۵/۸ درصد پاسخگویان موافق این موضوع بوده‌اند. آمار بالای مخالفان انتشار این خبرها نشان از آن دارد که مردم به اندازه گذشته دنبال سرك کشیدن در زندگی افراد مشهور نیستند و دغدغه‌های دیگری دارند. این در حالی است که قبل‌تر رسانه‌های زرد می‌توانستند با درج گزارش‌ها و اخباری که بعضا تکذیب هم می‌شد، فروش خوبی داشته باشند. چون دانستن این که یك چهره چطور زندگی می‌کند و چه اتفاقات و حواشی برایش ایجاد شده، برای جامعه بسیار مهم بود. حالا تصورش را بکنید در چنین جامعه‌ای وقتی فضای مجازی شروع می‌کند به پررنگ شدن، مردم تا چه اندازه به سمت این موضوعات جلب می‌شوند. اما حالا همین آمار نشان می‌دهد روندی معکوس در حال طی شدن است و اغلب مردم دیگر تمایل چندانی به انتشار خبرهای مرتبط به زندگی چهره‌های معروف ندارند.

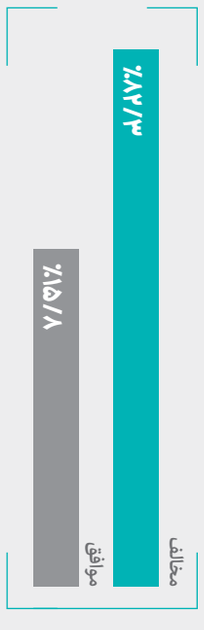

باز هم نه!

هر چند ۸۲/۳ درصد مردم موافق انتشار اخبار زندگی هنرمندان و چهره‌های سرشناس نیستند، اما پرسش بعدی که با مردم مطرح شده، نشان می‌دهد بخشی از افراد جامعه هر چند کم، هنوز هم مشتری پروپا قرص این دست خبرها هستند. اما با این حال، باز هم بخش عمده‌ای از همان‌ها که به انتشار اخبار زندگی چهره‌های معروف نه گفته‌اند، به‌خواندن آنها هم نه می‌گویند و همین رویه را ادامه می‌دهند.

ایسپا از پاسخگویان به سؤال قبلی پرسیده است: «شما اخبار زندگی افراد مشهور (سیاستمداران، هنرمندان و ورزشکاران) را تا چه اندازه دنبال می‌کنید؟ ۴۲/۳ درصد پاسخگویان بیان کرده‌اند به میزان کم و خیلی کم این دست از اخبار را دنبال می‌کنند. ۸/۷ درصد پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۱۲/۱ درصد تا حدودی این اخبار را دنبال می‌کنند. همچنین ۳۶/۷ درصد مردم گفته‌اند اصلا اخبار مربوط به زندگی افراد مشهور را دنبال نمی‌کنند.

چه اتفاقی افتاده؟

همان‌طور که توضیح دادیم زمانی برای مردم حواشی زندگی چهره‌ها بسیار مهم بود و حالا آمارها می‌گویند این توجه تبی بوده که فروکش کرده است. هر چند هنوز هم در فضای مجازی صفحاتی که به اخبار حاشیه‌ای زندگی چهره‌ها می‌پردازند مورد توجه هستند؛ اما این توجه نسبت به چند سال گذشته دستخوش تغییرات بسیاری شده است. هواداری از یك چهره، دیگر شکل و شمایل گذشته را ندارد. حضور چهره‌های معروف در فضای مجازی و آشنایی بیشتر مردم با آنها، جامعه را به سمت یك بینش و آگاهی تازه سوق داده و گویی مردم در حال کسب سواد رسانه‌ای هستند. کاربران با چهره‌ها مخالفت می‌کنند و نظر خود را در قالب کامنت‌ها و پست‌ها به اشتراك می‌گذارند. نمونه این مورد را بارها دیده‌ایم. پرویز پرستویی بازیگر سینما که قبلا در چشم مردم جایگاهی غیرواقعی داشت، حالا هنرمندی است که کارهایش را دوست دارند، اما با برخی نظراتش مخالفت می‌کنند. یعنی دیگر خبری از تایید صرف نیست و شیفتگی‌ها و حتی گاه نفرت‌های قبل در حال منطقی‌تر شدن هستند. چراکه مردم از یك سو نظرات شخصی چهره‌ها را در صفحه‌هایشان می‌خوانند و درباره‌اش اظهارنظر می‌کنند، از دیگر سو، در صفحاتی که اخبار مربوط به آنها را منتشر می‌کنند، نظرات دیگر کاربران را هم می‌خوانند و سعی می‌کنند به فکر و تحلیل بهتری برسند. هرچند با این همه آسیب‌های فضای مجازی کم نیستند و در همین فضاها هم هستند کاربرانی که تبلیغات نامناسب و بددهنی پیشه کرده‌اند، اما باید عیب و هنر فضای مجازی هر دو را در کنار هم دید و چه بهتر این‌که مردم در این فضا یاد می‌گیرند هیچ‌کس بت نیست، هر آدمی چهره باشد و نباشد، خوبی‌ها و بدی‌ها، اشتباهات و نظرات درست و نادرست خود را دارد و باید میان این دو با هم تفکیك قائل شوند.

پشت صحنه

جمعه خوب با سوژه‌های خوب

جمعه‌ای بود بس دلچسب. هر چند نگارنده به دلیل پختن مربای آلبالو دیر به روزنامه رسید، اما به محض رسیدن در فضای جذاب گروه غرق شد و خلاصه تمام خستگی‌ها از یادش رفت. اما پنهانی برایتان بگویم که خوشحالی بچه‌های گروه و شوخی‌هایشان از چه ناشی می‌شد. هرچند همه با هم شوخی می‌کردند و ماجرا را به منافع شخصی ربط می‌دادند، اما واقعا این‌طور نبود. بچه‌ها درباره کاهش قیمت دلار حرف می‌زدند و راضی و شاد از این‌که این کاهش قیمت بتواند حال همه ما را بهتر کند و نوسان‌های قیمتی که جامعه را برای مدت زمانی درگیر خود کرده تا حدی حل شود. هرچند که قیمت‌ها دیگر آن قیمت‌های سابق نمی‌شوند، اما در شرایط فعلی همین که تا حدی هم پایین بیایند، خوب است دیگر... برویم سراغ صفحه‌های جذاب امروز.

در همین صفحه ۹ خودمان که در حال خواندنش هستید، زینب مرتضایی‌فرد رفته سراغ نظرسنجی تازه ایسپا. در این نظرسنجی مردم به سؤالاتی درباره کنجکاوی‌هایشان درباره زندگی چهره‌ها پاسخ گفته‌اند و آمارهای جالب و حیرت انگیزی هم شده نتیجه کار، آمارهایی که می‌گویند مردم به اندازه گذشته نسبت به زندگی چهره‌ها حساسیت نشان نمی‌دهند و دغدغه‌های مهم‌تری پیدا کرده‌اند، یعنی سرشان به کار خودشان گرم شده و دیگر برایشان مهم نیست فلان شخص چه می‌کند و چه می‌پوشد و چه سفری می‌رود. بخوانید و ببینید شما جزو کدام دسته از افراد این نظرسنجی هستید.

فیس اپ را هم که این روزها همه می‌شناسیم. هر کسی که توانسته چهره‌اش را در فیس اپ به قول رضی الدین آرتیمانی «گه پیر و جوان» کرده و در فضای مجازی انتشار داده است. در صفحه ۱۲ همکاران‌مان رفته‌اند سراغ این پدیده و واکنش‌هایی که کاربران فضای مجازی نسبت به آن دارند. خلاصه که این پیر و جوان شدن‌های ناگهانی در این نرم‌افزارها هم برای خودش عالمی دارد....

در صفحه ۱۰ همکاران‌مان رفته‌اند سراغ چهره‌های هنری که از وسایل نقلیه عمومی استفاده کرده و در کنار مردم در سطح شهر رفت و آمد می‌کنند. هرچند از برخی از این افراد عکس‌ها و مطالبی قبلا منتشر شده است، اما مرور آنها به بهانه انتشار ویدئویی از حسین علیزاده در مترو می‌تواند اتفاق جالبی باشد. بخوانید و ببینید چه خبر است.

گروهی هستیم که حواس‌مان به همه چیز هست دیگر... در صفحه سینمای امروز رفته‌ایم سراغ فیلم‌هایی که به موضوع خلیج فارس عزیزمان پرداخته‌اند تا هم به تحرکاتی که در آن انجام شده بپردازیم و هم اهمیتش را دوباره با هم مرور کنیم. البته باران حیدری صرفا با نگاهی هنری و سینمایی سراغ موضوع رفته و بخش‌های سیاسی کار را هم مثل همیشه کاردانان این عرصه یعنی روزنامه‌نگاران سیاسی‌مان بررسی خواهند کرد.